

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از : مرحوم فیض محمد "عاطفی"

فرستنده : نازی نور "عاطفی"

26 آگست 2012

سلسلهٔ عشق

یار بر پای دلم سلسلهٔ عشق نهاد
شعلهٔ عشق سراپای وجودم بگذاخت
عقل در چنبر تدبیر و تعلق محصور
تا که سرگشتهٔ او هم نام بُدم راه نبود
عشق، سلطان قوی پنجه و قهار و غیور
خطهٔ عالم اسرار به تضمین، یعنی:
نه به علت بپذیرد نه به علت راند
آنچه من یافتم از صحبت "سودائی" بود
عالم علم لُذنی بُد و پروردهٔ فقر
نام او آمد و نام همسه را برده ز یاد
آتشی بود که در خرمن عمرم افتاد
عشق از حلقهٔ اسباب و علایق آزاد
تا که درمانده و مضطرب نشدم راه نداد
از سراپردهٔ اسرار در لطف گشاد
"سرزمینی ست که ایمان فلک رفته به باد"
کار، موقوف عنایت بود ای اهل مراد
که خدا منزلت و رفعت نیکیش دهد
که نظیرش به خدا مادر ایام نژاد

به دعا یاد کنید عاطف و "سودائی" را

نظر لطفِ خدا یار دعاگوییان باد